


مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲، پیاپی ۳۱



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2023.79207.1174>

پژوهشی

تبیین عوامل مؤثر بر همگرایی و واگرایی شیعیان عراق و ایران

مصطفی قادری حاجت (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

m.ghaderihajat@modares.ac.ir

مجید دیاری صالح (استاد جغرافیا، دانشگاه المستنصریه، بغداد، عراق)

diyari.majid@gmail.com

زیاد احمد عبدالله (دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

cooler_point@yahoo.com

چکیده

همگرایی گروه‌های قومی-مذهبی، موضوعی متفاوت در زمینه تقویت مناسبات بین کشورهای است. ج.ا.ایران و جمهوری عراق، دو کشوری هستند که جمعیت قابل توجهی از شیعیان جهان را در خود جای داده‌اند. در ایران، شیعیان موفق به نظام سازی شده و در عراق، از سال ۲۰۰۳ به بعد، حائز نقشی مهم در ساختار نظام عراق شده‌اند. از آنجاکه شیعیان و ایدئولوژی تشیع در دو سیستم سیاسی، نقش تأثیرگذار را دارند فهم عوامل همگرایی و عوامل واگرایی، موضوعی شایسته توجه در روابط دو جامعه است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، با به‌کارگیری روش دلفی و AHP ضمن بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و یافته‌های میدانی به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه عواملی موجب همگرایی و واگرایی شیعیان ایران و عراق می‌باشند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد فرهنگ مشترک مبتنی بر عقاید شیعی از جمله موضوع عتبات عالیات در کنار منافع عمده سیاسی مانند اهمیت حفظ قدرت احزاب و جریان‌های شیعی در ساختار سیاسی عراق و اقتصادی مانند تجارت، بازسازی عراق و امنیتی متبلور در مقابله با تهدیدات مشترک عوامل اصلی همگرایی شیعیان ایران و عراق محسوب می‌شود. در مقابل عواملی مانند معادلات داخلی دو کشور از جمله رقابت‌های درونی احزاب شیعه در عراق و وجود جریان غرب‌گرا و شرق‌گرا در ایران همچنین تأثیر بازیگران خارجی، عوامل اصلی واگرایی شیعیان ایران و عراق تلقی می‌شوند. اگرچه در شرایط کنونی

وزن عوامل همگرا از عوامل واگرا بیشتر می‌باشد، شایان توجه است که این برتری شکننده بوده و می‌تواند به واگرایی هم میل پیدا کند.

واژگان کلیدی: همگرایی، واگرایی، شیعیان ایران، شیعیان عراق.

مقدمه

بحث همگرایی و واگرایی گروه‌های قومی و مذهبی و تأثیر آن بر عملکرد و سیاست‌های رسمی دولت‌ها یکی از موضوعات و مباحث مهم در رشته جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل است. در بین مسلمانان تعدد قومیت‌ها و گرایش‌های مذهبی موضوعی انکارناپذیر است، چراکه عقیده از قومی به قوم دیگر و از ملتی به ملت دیگر و از کشوری به کشور دیگر گسترش یافته و جوامعی را از نژادها و اقوام گوناگون تحت لوای دین اسلام قرار داده است. گسترش تشیع و توزیع پیروان آن در خلیج فارس که مرکز ثقل حضور شیعیان است، حاصل همین موضوع است. توزیع جغرافیایی شیعیان در منطقه به نحوی است که جغرافیای آنان سرشار از منابع انرژی بوده و به این امر به شیعیان اهمیت فوق‌العاده ژئوپلیتیکی بخشیده است. ج.ا.ایران و عراق دو کشوری هستند که شیعیان در یکی موفق به نظام سازی شده و در دیگری توانسته‌اند برخی از سمت‌های مهم سیاسی از جمله نخست‌وزیری را در چارچوب نظام سیاسی کشور تصاحب کرده و سطحی از مشارکت، ایفای نقش و تأثیرگذاری را برای خود در چارچوب نظام فدرال عراق تضمین کنند (Izadi & Dabiri, 2012)

سرنگونی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، نقطه عطف تاریخی در حیات سیاسی شیعیان عراق محسوب می‌شود. این موضوع، فرصتی تاریخی را برای شیعیان عراق هم در سطح عامه مردم، هم در سطح نخبگان سیاسی و مذهبی جهت ایفای نقش در ساختار این کشور فراهم آورد. (Wainscott, 2019:2). در واقع، سرنگونی رژیم بعث عراق و برگزاری انتخابات دو نتیجه در پی داشت: نخست آنکه نشان داد که شیعیان، اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و دوما،

شیعیان در نتیجه این رویداد از انزوا خارج شده و پا به عرصه تحولات گذاشتند (Sadighi et al., 2016:129).

در شرایط جدید، با تغییر ساخت قدرت و سیاست در عراق و قرار گرفتن اکثریت شیعه در رأس حکومت عراق، زمینه‌های فرصت‌سازی جدیدی برای سیاست خارجی ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شده است: در سطح ملی و روابط دوجانبه، حضور شیعیان در رأس قدرت، می‌تواند مولفه‌ای تأثیرگذار در جهت سوق دادن دو کشور به سمت ارتقای روابط به سطوح استراتژیک باشد. علایق فرهنگی مشترک، منافع اقتصادی، و در نهایت نیز نیازهای سیاسی و امنیتی عراق و ایران، زمینه‌های بکر همکاری دو کشور تلقی می‌شوند. این همکاری‌ها در سایه وجود دولت مرکزی شیعه در عراق و دهه‌ها محرومیت شیعیان این کشور از هرگونه ایفای نقش فرصتی بی‌بدیل است. در سطح منطقه‌ای، حضور و قدرت گرفتن شیعیان در عراق، می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای برای ایران در تعامل با منطقه باشد و از طرفی شیعیان می‌توانند مبتنی بر هویت عربی و شیعی خود، زمینه‌ساز تحکیم روابط ایران با جهان عرب نیز باشند که ایران تنش‌هایی را با آن تجربه می‌کند. در سطح بین‌المللی نیز روی کارآمدن دولت مرکزی شیعی در بغداد که ارتباط گسترده‌ای با آمریکا و اروپا دارد، می‌تواند پرکننده شکاف موجود میان ایران و غرب باشد و از این طریق، از سطح چالش‌ها موجود در منطقه و جهان با جمهوری اسلامی بکاهد (Barzegar, 2007: 62-69). تعامل میان ایران و دولت شیعی عراق بعد از سقوط صدام گسترش یافته اما دو کشور علی‌رغم مزیت‌های قابل توجه با بالفعل کردن زمینه‌های موجود همگرایی در مناسبات فاصله بسیار دارند. (Ghorbani & Sediq Mohammadi, 2007: 235-237). نگرانی از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی ناشی از بحران قومی و مذهبی، یکی از چالش‌های فراروی امنیت ملی ایران پس از تغییر ساختار در عراق است (Maghsoodi, 2004: 121). یکی از آخرین پدیده‌ها طی یک دهه اخیر، بنیادگرایی افراطی سنی و اوج‌گیری و فعالیت جریان دولت اسلامی عراق و شام معروف به داعش بود که بخش گسترده‌ای از عراق و سوریه را در کنترل خود گرفت و تا نزدیکی مرزهای ج.ا.ایران نیز پیش روی کرد (Nader, 2015: 2). افزون بر آن، تمرکز گسترده بازیگران

خارجی برای تأثیرگذاری بر روابط ایران و عراق به روش‌های مختلف، یک نگرانی عمده دیگر است که توجه به شکل‌دهی به روابط و مدیریت آن‌ها را ضروری می‌کند؛ تولد و ترویج گسترده اصطلاح «النفوذ الایرانی فی العراق یا التغلغل الایرانی...» (نفوذ ایران در عراق) خود گواهی بر این مدعاست (AI-Qassab, 2011) و ثابت می‌کند تأثیرگذاری بر روابط تهران-بغداد در سطوح مختلف به چه میزان مورد توجه طرف‌های خارجی و البته داخلی ناراضی از این مناسبات است. نظر به اهمیت شناخت مجاری و عوامل همگرایی و واگرایی شیعیان ایران و عراق اهمیت این پژوهش آشکار می‌شود. براین اساس، سؤالات مقاله حاضر بدین گونه صورت‌بندی شده‌اند: عوامل مؤثر بر همگرایی و واگرایی شیعیان ایران و عراق کدام‌اند؟ و متأثر از عوامل واگرا و همگرا روابط شیعیان ایران و عراق چه چشم‌انداز احتمالی خواهد داشت؟

۲. روش پژوهش

این مقاله به لحاظ ماهیت کاربردی و از نظر روش به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده است. با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی عوامل مؤثر بر همگرایی و واگرایی روابط شیعیان ایران و عراق به روش کیفی و استنباطی احصاء شد. عوامل شناسایی شده در مطالعات کتابخانه‌ای در اختیار خبرگان قرار گرفتند. خبره در این پژوهش افرادی در نظر گرفته شد که به نحوی با حوزه‌های فوق در ارتباط بوده یا تجربه نزدیکی در حوزه عوامل شناسایی شده دارد. با استفاده از تکنیک (دلفی) و کمک خبرگان در گام نخست، برخی از عوامل حذف یا در عنوان اصلی ادغام شدند. در گام دوم نیز یک پرسشنامه مقایسات زوجی برای مقایسه عوامل طراحی شد. از جامعه آماری خواسته شد تا میزان ترجیح هر عامل را در مقایسه با عوامل دیگر بر اساس طیف ۹ درجه‌ای به صورت مقایسه زوجی ثبت کنند. پس از این مرحله وزن عوامل استخراج شد و داده‌ها وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شد. وزن هر یک از عوامل همگرا و واگرا به همراه شاخص‌های آن‌ها محاسبه شده است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. شیعه

«شیعه» در اصطلاح عام به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و امامت بلافصل امام علی(ع) معتقدند و بر این عقیده‌اند که امام و جانشین پیامبر اسلام(ص) از طریق نصّ شرعی تعیین می‌شود، و امامت علی(ع) و دیگر امامان شیعه علیهم‌السلام نیز از طریق نصّ شرعی ثابت شده‌است (Shamali, 1996: 15).

۳-۲ ژئوپلیتیک شیعه

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه می‌باشد. در واقع، کمربندی از تشیع، بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن، به سرعت انتقال می‌یابد. فرسواً توال در بررسی خود درباره مفهوم ژئوپلیتیک شیعه اظهار می‌کند: درگیری‌های اخیر در دنیا همانند انقلاب اسلامی در ایران و یا رخدادهای لبنان، شیعه‌گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیک در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داده است. وی در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی، از دو مفهوم ژئوپلیتیک به شرح زیر استفاده می‌کند:

- ژئوپلیتیک داخلی که عبارت است از: گستره و شدت تأثیرگذاری شیعیان بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور.
- ژئوپلیتیک خارجی که عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (Toal, 2000: 6).

پدیده شیعه یا سازه جغرافیایی و انسانی شیعه ابعاد مختلفی دارد و یکی از این ابعاد مهم، بعد ژئوپلیتیک است. با توجه به تبیین نقش زیربنایی سه عامل اساسی جغرافیا، سیاست و قدرت در ارتباط با پدیده تشیع، «ژئوپلیتیک شیعه عبارت است از تلفیق ظرفیت‌های جغرافیایی مناطق

شیعه‌نشین با آرمان‌ها و آموزه‌های موجود در فرهنگ سیاسی تشیع که توانست آن را در مسیر قدرت‌یابی قرار دهد و به برقراری مناسبات و تعاملات مرکز-پیرامون در قالب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ایران به‌عنوان کانون قلمروهای شیعی و اقلیت‌های شیعی پیرامون ایران پس‌از انقلاب اسلامی منجر شود» (Ahmadi, 2018: 74).

۳-۳. همگرایی و واگرایی

همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در رفتار دولت‌ها و بازیگران سیاسی می‌باشد؛ شکل‌گیری، بقا و یا سقوط فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی و یا فردی خود است. فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتوی شکل‌گیری آن‌ها تشکیل می‌دهد. همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از: تقویت و نزدیکی افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به‌عنوان هدف مشخص آن‌ها شناخته می‌شود. و واگرایی عبارت است از: فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (Ramezani & Mehrabi, 2000: 21).

در این پژوهش مراد از همگرایی و واگرایی دو جریان متعارض است که یکی به تدریج به سوی یکپارچگی و همبستگی بیشتر پیش می‌رود و دیگری به تدریج به طرف اختلاف و جدایی پیش می‌رود. مفاهیم همگرایی و واگرایی به‌طور عمده درباره روابط دولت‌ها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل مطرح شده و تعاریف به‌طور عمده به همگرایی بین دولت‌های ملی اشاره دارد. اما در این پژوهش، موضوع همگرایی دو جامعه است نه دو دولت. بنابراین منظور از همگرایی فرایندی است که فاصله و جدایی دو جامعه و تنش بین آن‌ها را کم می‌کند و آن‌ها را به سوی همبستگی با یکدیگر سوق می‌دهد. این فرایند ممکن است در صورت پیشرفت و در حد‌اعلای خود به پیوستن دو جامعه به یکدیگر منتهی شود. هدف اصلی مقاله حاضر، شناخت عوامل مؤثر بر یکپارچگی و همبستگی شیعیان ایران و عراق و همچنین عواملی که مانع این فرایند می‌باشد.

فرآیند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت‌ها، از احساس و درک هدف و منفعت مشترک و یا برعکس آن، اهداف و منافع متعارض شروع می‌شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه پیدا می‌کند. نیروهای اصلی و یا کاتالیزور هم به تقویت روند مزبور کمک نموده تا فرآیند را کامل نمایند. این فرآیندها از حیث تجلی فضائی ممکن است در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی شکل بگیرند. مرحله پایانی فرآیند همگرایی را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه، و پایان فرایند واگرایی را تجزیه با پیامدهایی همچون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می‌دهد. نمودار ۱ مراحل فرآیند همگرایی و واگرایی



Source: Hafez Nia, 2016: 503

بنابراین همگرایی با یکپارچگی، و واگرایی با تجزیه الزاماً هم‌معنی نیستند. بلکه همگرایی و واگرایی یک فرآیند هستند. درحالی‌که یکپارچگی و تجزیه مرحله نهایی و نتیجه تحقق فرایندهای مزبور می‌باشد و یک پدیده محسوب می‌شوند. از این رو نمی‌توان آن‌ها را عیناً به‌جای یکدیگر به کار گرفت (Hafez Nia, 2016:502- 503).

۳-۳-۱. حوزه‌های کارکردی اثرگذار در همگرایی و واگرایی

بر اساس تقسیمات رایج، چهار حوزه سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، نظامی-امنیتی به‌عنوان حوزه‌های کارکردی اثرگذار در همگرایی و واگرایی گروه‌ها و جوامع و کشورهای مختلف قابل‌بازشناسی می‌باشند که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۳-۱-۱. حوزه سیاسی:

عوامل مانند معادلات سیاسی و ساختاری داخلی کشورها و نیازهای متقابل در صورت وجود در ذیل دسته حوزه عوامل سیاسی قابل‌تقسیم هستند. منافع مشترک سیاسی می‌تواند یک عامل محرک همگرایی در سطوح رسمی و غیررسمی باشد. شیعیان ایران در قالب نظام جمهوری اسلامی و شیعیان عراق به‌عنوان یک جریان اکثریت که در ساختار این کشور حضور دارند، همانند دیگر کنشگران ملی یا غیر ملی نظام بین‌الملل، در جهان به هم پیوسته‌ای حضور دارند که ناچار از همکاری با یکدیگر برای تحقق منافع و مصالح بیشتر هستند. امروزه هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی شود که بدون همکاری با دیگران می‌تواند نیازهای خود را برآورده کرده و امنیت، رفاه، ثبات و توسعه در همه ابعاد را برای خود به ارمغان آورد. بر همین اساس، ایران و عراق در سطح مردمی نیز با تعریف حوزه‌های موضوعی قابل همکاری می‌توانند به یکدیگر نزدیک شده و ضمن مدیریت اختلافات و تضادها، الگویی از همگرایی مبتنی بر تحقق منافع بیشتر را میان خود به اجرا بگذارند. ذکر این نکته ضروری است که در هر حوزه موضوعی همیشه عوامل واگرا ساز نیز حضور دارند.

ملاحظات سیاسی داخلی بازیگران، همچنین نقش منفی بازیگران رقیب داخلی و خارجی خود می-تواند بر همگرایی تأثیر منفی گذاشته و واگرایی را تحریک کنند.

۲-۱-۳-۳. حوزه اقتصادی:

همان‌گونه که در مورد اتحادیه اروپا، منافع مشترک اقتصادی، به زمینه و عامل اصلی همگرایی کشورهای اروپایی تبدیل شد، سود و منافع مشترک اقتصادی و تجاری می‌تواند زمینه همکاری و همگرایی شیعیان ایران و عراق باشد. نیازهای عراق و توانمندی‌های و ظرفیت‌های ایران و نیازهای آن‌که امکان برطرف کردن آن‌ها از عراق وجود دارد، هر دو قابل احصاء هستند. اصل اساسی در این حوزه این است که سود و منفعت مشترک اقتصادی، عاملی است که اغلب نظریه‌های همگرایی به آن اذعان دارند.

۳-۱-۳-۳. حوزه اجتماعی و فرهنگی:

با توجه به اینکه این پژوهش، همگرایی در سطح جامعه را وجه تمرکز خود قرار داده، از این‌رو، عوامل تأثیرگذار در ذیل این دسته، اهمیت بی‌شماری دارند. وجود ارزش‌های مشترک در میان دو جامعه هدف، امکان دست یافتن به یک توافق عمومی، همبستگی و پیوند را افزایش می‌دهد. این اتفاق نظر، مشروعیت فعالیت سازمان‌ها و نهادهای فراملی را افزایش داده و باعث می‌شود تا واحدهای ملی از آن تبعیت کنند و هرگز احساس نکنند که هویت ملی خود را بر اثر همگرایی از دست می‌دهند. در این زمینه، مذهب تشیع به‌عنوان مهم‌ترین عامل مشترک، ارتباط دو جامعه را تسهیل می‌کند. به‌ویژه آن‌که بر اساس تعالیم اسلام همه مسلمانان به‌عنوان امتی واحد شناخته می‌شوند. این امر بستر مناسبی را از لحاظ فکری جهت همبستگی و همگرایی میان دو جامعه فراهم می‌آورد، هرچند که برداشت‌ها و تفاسیر گوناگون از برخی معتقدات ممکن است به‌عنوان یک عامل واگرا عمل کنند، آموزه‌های مشترک، که هر دو جامعه شیعی به آن اعتقاد راسخ دارند، باید مورد توجه قرار بگیرند. بخصوص که فارغ از وضعیت تفرقه و اختلافات کنونی حاکم بر جهان

اسلام، در حقیقت اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول سعی در ایجاد همگرایی و همبستگی میان همه‌ی نژادها و اقوام دارد تا تمامی مسلمانان را بدون توجه به نژاد یا زبان به‌صورت یک امت واحد درآورد. بسیاری از تکالیف اسلام همانند وجوب رو به تهیه ایستادن در هنگام نماز، مراسم حج، روزه گرفتن در ماه رمضان ماهیتی وحدت‌بخش دارند و در مورد شیعیان نیز موارد مشترک بی‌شمارند که در جای خود به بحث گذاشته می‌شوند (Drysdale & Blake, 1995: 309-310).

همانند حوزه سیاسی، در حوزه اجتماعی-فرهنگی نیز عوامل واگرا ساز همیشه وجود دارند. عوامل اجتماعی و فرهنگی با یک موضوع مهم‌تری مرتبط هستند و آن وجود یا فقدان نهادهای اندیشه‌ساز و نخبه پرور است. در دو قرن اخیر، نهادهای سنتی اندیشه‌ساز و نخبه پرور، به‌جز در موارد انگشت‌شمار، محصول نظری چندانی نداشته و نهادهای جدیدی هم که در این زمینه تأسیس شده‌اند، نیز به‌جز تقلید و دنباله‌روی کاری انجام نداده‌اند. ضعف نظریه‌پردازی و نخبه‌پروری موجب درک نادرست از مسائل اساسی و شیوه‌های حل آن‌ها در کل جهان اسلام خواهد شد، اما به‌طور کلی، عوامل واگرا ساز در حوزه اجتماعی و فرهنگی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد و به بحث و بررسی گذاشت: اختلافات قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای که موجب پررنگ شدن ابعاد واگرا ساز هویتی مانند نژاد و زبان بجای ابعاد همگرا مانند مذهب شیعی می‌شوند. و مانع از گسترش روابط میان کشورهای اسلامی گشته و زمینه را برای مداخله قدرت‌های خارجی فراهم ساخته است. دوم؛ اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی که مداخله خارجی، موجب تشدید آن‌ها می‌شود (Eyvashi, 2008: 181). تمدن بین‌النهرین و به‌طور خاص جغرافیای ایران و عراق کنونی پهنه‌ی وسیعی از ملل و فرهنگ‌ها است که از تجربه‌های تاریخی کاملاً متفاوتی برخوردار هستند. اختلافات اساسی در طرز تفکر بین گروه‌های بزرگ قومی مانند عرب، فارس و آذری (به‌عنوان یک قوم شیعه ایرانی) می‌تواند باعث سوءظن یا حتی اصطکاک شود. این تقسیمات از اهمیت بیشتری نسبت به ابعاد وحدت‌بخش برخوردار است. چراکه بر اساس اندیشه ناسیونالیسم، ملت‌ها و دولت‌های آنان منافع ملی خاصی برای خود تعریف می‌کنند که می‌تواند در تعارض با دیگر کنشگران قرار گیرد (Eyvashi, 2008: 146). در واقع، وجود قوم‌گرایی، موجب تنازع قومی و مذهبی

شده و با ایجاد واگرایی، مانع از شکل‌گیری یک هویت اسلامی-شیعی می‌شود (Hosseini Moghadam & Sani Ejlal, 2012:10-11).

۴-۱-۳- حوزه نظامی-امنیتی:

احساس تهدید مشترک برخاسته از یک عامل یا بازیگر یا رفتار اصل محوری در این حوزه است. تهدیدات می‌توانند ماهیتی داخلی یا ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی داشته باشند اما مبتنی بر ضرورت مقابله با تهدیدات مشترک است که بازیگران روی به اتحاد، ائتلاف، شراکت و غیره می‌کنند. شیعیان ایران و عراق هم به‌عنوان یک جامعه و هم به‌مثابه پیروان یک عقیده متأثر از تحولات و تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی ناچار از مقابله با تهدیدات هستند. مقابله با این تهدیدات می‌تواند حوزه همکاری و همگرایی دو طرف باشد.

شکل ۱: مدل مفهومی پیشنهادی برای بررسی همگرایی یا واگرایی شیعیان ایران و عراق



از نظر توزیع جغرافیایی جمعیت برحسب موضوع مورد پژوهش یعنی شیعیان، عراق به پنج منطقه مختلف قابل تقسیم است اگرچه ارقام مذکور به اعتراف منبع تقریبی هستند:

- عتبات عالیات: شامل نجف اشرف؛ کربلای معلا، کاظمین؛ سامرا. اکثریت جمعیت این مناطق را شیعیان تشکیل می‌دهند و اگر عده‌ای از فرقه‌ها یا مذاهب دیگر باشند، به‌ویژه در کربلا و نجف کم یا بسیار اندک هستند؛
- مناطق جنوبی: استان بصره؛ استان العماره؛ استان ناصریه. این مناطق نیز همانند عتبات، جمعیتی بالغ بر ۹۹ درصد شیعه را در خود جای داده‌اند؛
- بغداد به‌عنوان پایتخت، اکثریت حدود ۷۵ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. در برخی از مناطق که شیعیان ۹۰ تا ۹۹ درصد جمعیت خود را تشکیل می‌دهند، مانند: کاظمین، النوره، الکرخ، البیاء و غیره؛
- استان‌های مرکزی مانند: کوت، حله و دیوانیه که شیعیان آن ۹۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و برخی دیگر مانند سماوه ۹۰ درصد را شیعیان تشکیل می‌دهند و در استان دیالی نیز نسبت شیعیان ۸۵ درصد تخمین زده شده و در رمادی و تکریت نیز که اکثریت سنی هستند هم شیعیان به تعداد مشخص وجود دارند؛
- استان‌های شمالی اربیل و سلیمانیه و دهوک و اکثریت آن‌ها سنی هستند چنانکه نقل شده است و شیعیان نیز در آن‌ها احصاء نشده‌اند. در کرکوک و موصل، شیعیان حدود ۴۰ درصد هستند.

بیشتر شیعیان عراق در جلگه آبرفتی عراق، یعنی مناطق مرکز و جنوب این کشور، زندگی می‌کنند. این منطقه، که در قدیم به آن سواد می‌گفتند، از نظر اقتصادی اهمیت فراوانی دارد. زیرا بیشتر زمین‌های کشاورزی عراق را و نیز ۲۰ درصد مساحت کلی عراق را دربر

می‌گیرد. از سویی ذخایر نفتی بسیاری نیز در این منطقه یافت می‌شود. شهرهای مهم این ناحیه بغداد، بصره، کربلا و نجف‌اند که همان‌گونه که در بالا ذکر شد اکثریتی شیعی دارند. در مناطق نیمه کوهستانی شمال شرقی عراق نیز که اکثریت با کردهاست شیعیان در بین کردهای فیلی و ترکمانان و عرب‌های شیعه ظهوردارند. شهرهایی چون بلد و دجیل از توابع تکریت زادگاه صدام نیز چون شبه‌جزیره‌ای در مناطق سنی نشین مرکز عراق نیز اکثریتی شیعه دارند. (Ofogh,2010:49-51)

در کنار شیعیان بومی عراق، ایرانیان شیعه نیز قبلاً جمعیت زیادی را در اطراف شهرهای مقدس کربلا، نجف و بصره تشکیل می‌دادند که این عده حدفاصل سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ و نیز سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ از عراق اخراج شدند. در سال ۱۹۸۷ تعداد ایرانیان مقیم عراق ۱۳۳ هزار نفر تخمین زده شده است. (Ezzati,2005:56).

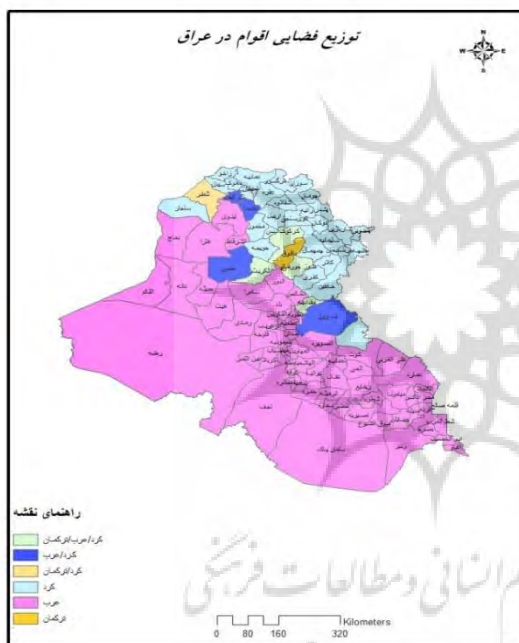
۲-۴. ارزش‌های ژئوپلیتیکی شیعیان عراق برای ج.ا.

مناطق استقرار شیعیان عراق از وجوه مختلفی قابل بررسی و حائز اهمیت است. مناطق شیعه‌نشین عراق دارای منابع غنی نفت و گاز می‌باشند. در واقع از نظر جغرافیایی و اقتصادی دارای اهمیت راهبردی می‌باشند. شیعیان در جنوب عراق به‌خصوص در بصره، کربلا، نجف و حتی بغداد اکثریت را دارند و براین اساس این حوزه‌ها در ترکیب ساخت قدرت در عراق و محیط پیرامونی مؤثر می‌باشند. برآورد اطلاعات محیطی از جمعیت شیعیان نشان می‌دهد که تمرکز عمده شیعیان در استان و شهرهای عراق شامل: بابل، بغداد، بصره، ذی قار، دیالی، کربلا، میسان، المثنی، نجف، نینوی، قادسیه، سماوه، سامرا، کاظمین و واسط سکونت دارند. گروهی از شیعیان که در ساختار شهری و روستایی سرشماری نشده‌اند، در میزان جمعیت شیعیان لحاظ نشده ولی در عراق به‌عنوان شیعه حضور دارند. غلبه شیعیان عراقی با اعراب است و گروه کوچک‌تری نیز از شیعیان ترکمن و فارس هستند که گروه شیعه فارس به‌مرور زمان عرب‌زبان شده‌اند. بخشی از شیعیان ساختار و بافت روستایی، عشیره و قبیله‌ای دارند. بیشتر شیعیان در ساختار و

بافتار قبیله و عشیره‌ای نزدیک مرزهای ایران و مناطق حاشیه مرزی عراق سکونت دارند. بر اساس منابع کتابخانه‌ای و آخرین سرشماری انجام‌شده جامعه شیعی عراق جمعیت حدود ۶۳ درصد از جمعیت عراق را در خود جای‌داده است. نقشه شماره ۱ توزیع قومی و نقشه شماره ۲ توزیع مذهبی در عراق را نمایش می‌دهد.

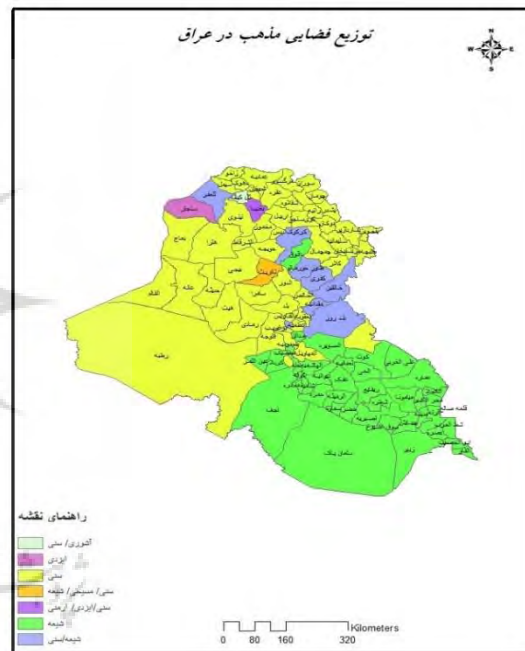
نقشه شماره ۲: توزیع قومی در عراق

Source: Authors



نقشه شماره ۱: توزیع مذهبی در عراق

Source: Authors



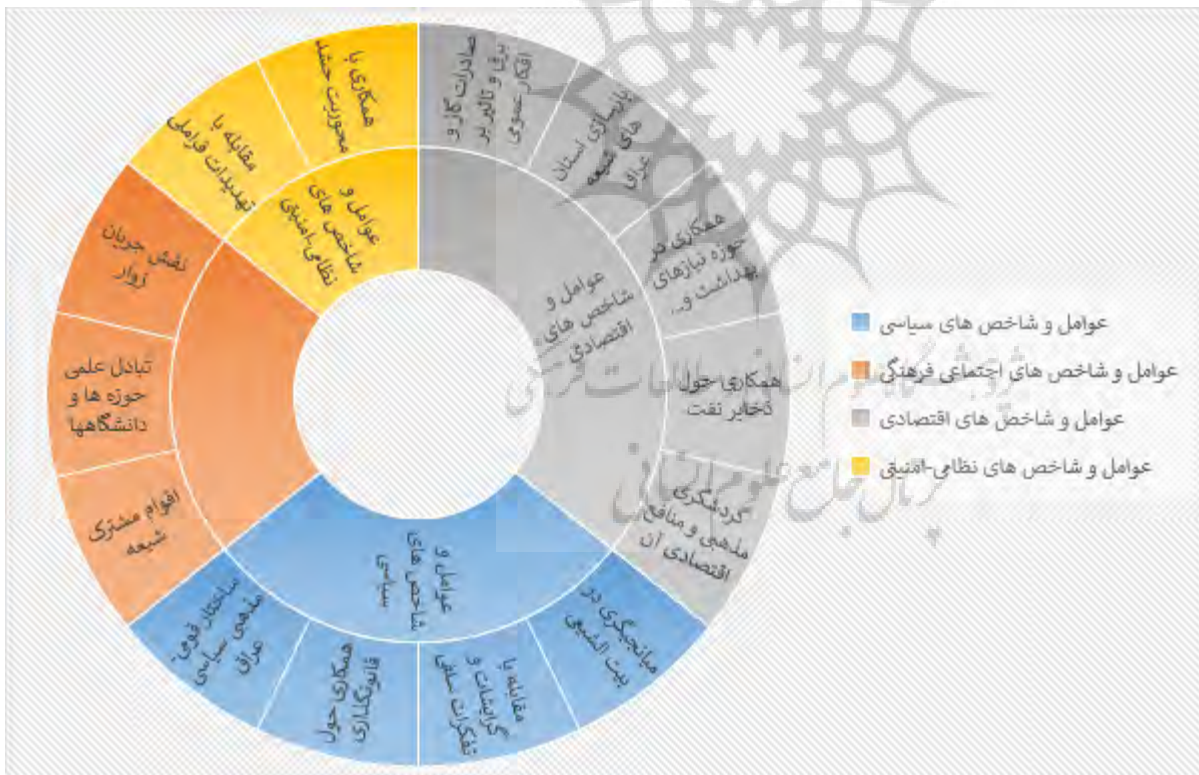
با توجه به نرخ رشد جمعیت شیعیان عراق و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی، همچنین روند پویایی و سن جوانی شیعیان عراق، شیعیان عراق دارای ویژگی ممتاز برای توسعه و نفوذ ج.ا.ا. تلقی می‌شوند. پنج حوزه باور به اسلام سیاسی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی، فرهنگ و سیاست

دفاعی و عوامل اقتصادی را به‌عنوان ابعاد و حوزه‌های اصلی ویژگی‌های شیعیان عراق از مهم‌ترین ابعاد اهمیت شیعیان عراق از منظر اهداف و منافع جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.

۳-۴. عوامل مؤثر بر همگرایی شیعیان ایران و عراق:

در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، نظامی-امنیتی و سطوح مختلف داخلی، خارجی عواملی وجود دارند که می‌توانند در مناسبات شیعیان ایران و عراق ایفای نقش کنند. برخی از این عوامل ممکن است مربوط به ایران و شماری دیگر منحصرأ مرتبط با عراق بوده و در بستر جامعه شیعی عراق درحالی‌که روی دادن باشند اما برای طرف دیگر نیز مهم به شمار آمده و همکاری او را می‌طلبند. بر این اساس عوامل مذکور برای پرهیز از طولانی شدن مطالب در قالب نمودار شماره ۲ به نمایش گذاشته شده است.

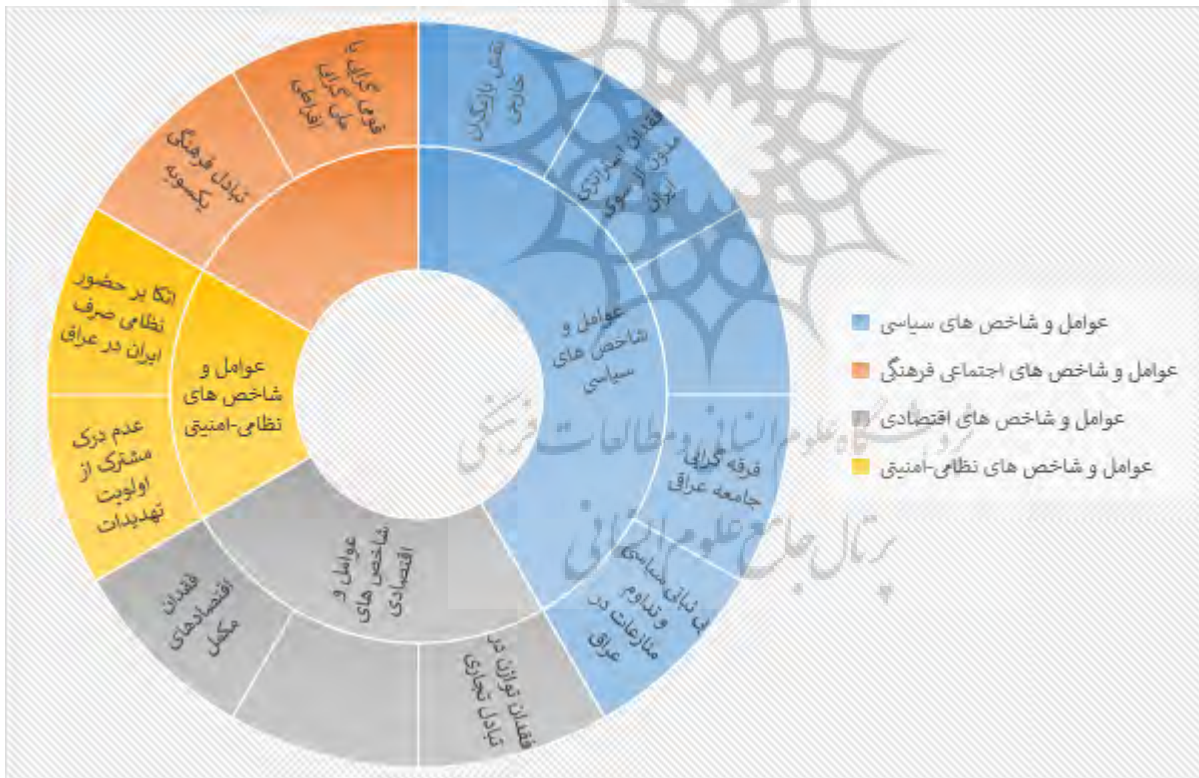
نمودار شماره ۲: عوامل و شاخص‌های مؤثر همگرایی شیعیان ایران و شیعیان عراق



۴-۴. عوامل مؤثر بر واگرایی شیعیان ایران و عراق:

همانند عوامل مؤثر بر همگرایی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، نظامی-امنیتی و سطوح مختلف داخلی، خارجی عواملی وجود دارند که می‌توانند در مناسبات شیعیان ایران و عراق ایفای نقش کنند. برخی از این عوامل ممکن است مربوط به ایران و شماری دیگر منحصرأ مرتبط با عراق بوده و در بستر جامعه شیعی عراق درحالی‌که روی دادن باشند اما برای طرف دیگر نیز مهم به شمار آمده و همکاری او را می‌طلبند. بر این اساس عوامل مذکور برای پرهیز از طولانی شدن مطالب در قالب نمودار شماره ۳ به نمایش گذاشته شده است.

نمودار شماره ۳: عوامل و شاخص‌های مؤثر واگرایی شیعیان ایران و شیعیان عراق



Source: Authors

۴-۵. یافته‌های میدانی

۴-۵-۱. امتیاز و وزن عوامل مؤثر بر همگرایی شیعیان ایران و عراق

عوامل شناسایی شده در مرحله مطالعات کتابخانه‌ای در اختیار خبرگان قرار گرفتند. خبره در این پژوهش هر فردی در نظر گرفته شد که به نحوی با حوزه‌های فوق در ارتباط بوده یا تجربه نزدیکی در حوزه عوامل شناسایی شده دارد. با کمک نظر خبرگان در گام نخست، برخی از عوامل حذف یا در عنوان اصلی ادغام شدند. در گام دوم نیز یک پرسشنامه مقایسات زوجی برای مقایسه عوامل طراحی شد. از گروه آماری خواسته شد تا میزان ترجیح هر عامل را در مقایسه با عوامل دیگر بر اساس طیف ۹ درجه‌ای به صورت مقایسه زوجی ثبت کنند. پس از این مرحله وزن عوامل استخراج شد و داده‌ها وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شد. جدول شماره ۱ میزان امتیاز و وزن هریک از عوامل مؤثر بر همگرایی شیعیان ایران و عراق را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: امتیاز و وزن عوامل مؤثر بر همگرایی شیعیان ایران و عراق به تفکیک

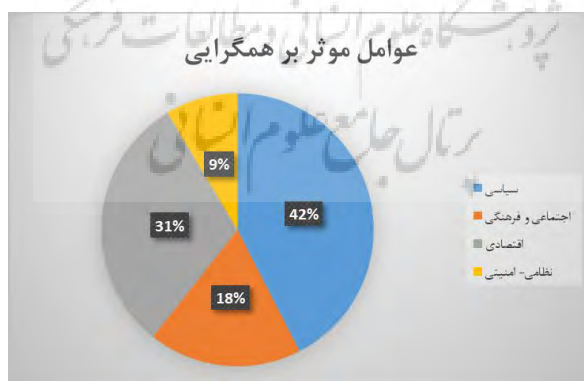
عوامل سیاسی		
گویه	امتیاز	وزن
ساختار قومی-مذهبی سیاسی عراق	85	0.282392
تأثیرپذیری برخی جریان‌های شیعه از ایران و امکان ایفای نقش میانجی	46	0.152824
نیاز شیعیان عراق به تقویت مبانی قانون‌گذاری	78	0.259136
همکاری شیعیان ایران و عراق برای مقابله با اندیشه‌ها و جریان‌های سلفی	92	0.305648
عوامل اجتماعی و فرهنگی		
گویه	امتیاز	وزن
گردشگری مذهبی و تأثیرات اجتماعی آن	51	0.395349
اقوام مشترک شیعه شامل کوردهای فیلی و عرب‌های خوزستان و معاندین	63	0.488372
تبادل فرهنگی در چارچوب حوزه‌های علمیه و نظام دانشگاهی	15	0.116279
عوامل اقتصادی		
گویه	امتیاز	وزن
گردشگری مذهبی و تأثیرات اقتصادی آن	106	0.486239
بازسازی عراق و امکان حضور شرکت‌های ایرانی	8	0.036697

همکاری حول ذخایر انرژی	22	0.100917
همکاری حول نیازهای بهداشت و درمان شیعیان عراق	82	0.376147
عوامل نظامی - امنیتی		
گویه	امتیاز	وزن
بازتعریف نقش حشد الشعبی و تعریف مأموریت‌های مشترک داخلی	18	0.295082
مقابله با تهدیدات مشترک خارجی	43	0.704918
عوامل مؤثر بر همگرایی		
شاخص	امتیاز	وزن
سیاسی	301	0.424542
اجتماعی و فرهنگی	129	0.181946
اقتصادی	218	0.307475
نظامی - امنیتی	61	0.086037

Source: Authors

جدول شماره ۱ امتیاز و وزن عوامل مؤثر بر همگرایی را نشان می‌دهد. در این حوزه، بیشترین امتیاز متعلق به دسته عوامل سیاسی است که امتیاز ۳۰۱ را ثبت کردند. پس از عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی با ۲۱۸ امتیاز در مرتبه دوم و عوامل اجتماعی و فرهنگی در رتبه سوم با ۱۲۹ امتیاز و عوامل نظامی-امنیتی با ۶۱ امتیاز در مرتبه آخر قرار گرفت.

نمودار شماره ۴: عوامل مؤثر بر همگرایی شیعیان ایران و شیعیان عراق



Source: Authors

همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد عوامل سیاسی با ۴۲ درصد تأثیر، عوامل اقتصادی با ۳۱ درصد و عوامل اجتماعی و فرهنگی با ۱۸ درصد و در نهایت عوامل نظامی-امنیتی با ۹ درصد در رتبه‌های نخست تا چهارم مهم‌ترین عوامل مؤثر بر همگرایی شیعیان ایران و عراق قرار گرفتند.

۴-۵-۲. امتیاز و وزن عوامل مؤثر بر واگرایی شیعیان ایران و عراق

جدول شماره ۲ امتیاز و وزن عوامل مؤثر بر واگرایی را نشان می‌دهد. در این حوزه، همچنان بیشترین امتیاز متعلق به دسته عوامل سیاسی است که امتیاز ۳۷۸ را ثبت کردند. پس از عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی با ۱۲۴ امتیاز در مرتبه دوم و عوامل نظامی-امنیتی در رتبه سوم با ۶۲ امتیاز و عوامل اجتماعی-فرهنگی با ۵۲ امتیاز در مرتبه آخر قرار گرفت.

جدول شماره ۲: امتیاز و وزن عوامل مؤثر بر واگرایی شیعیان ایران و عراق به تفکیک

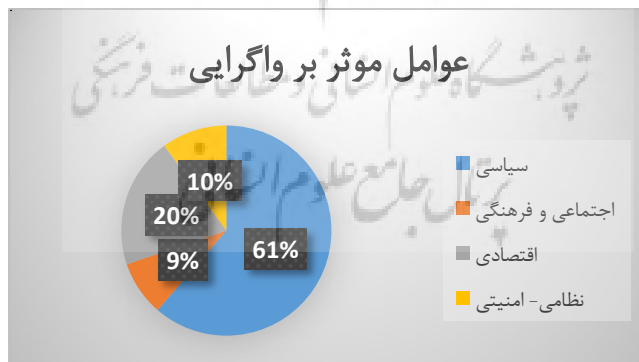
عوامل سیاسی		
گویه	امتیاز	وزن
بی‌ثباتی سیاسی و تداوم منازعات در عراق	117	0.30952381
فرقه‌گرایی جامعه عراقی	40	0.105820106
نقش بازیگران خارجی (آمریکا و کشورهای عربی)	129	0.341269841
حاکمیت ساختار رانتیر	27	0.071428571
فقدان استراتژی و برنامه مدون از سوی ج.ا.ایران	65	0.171957672
عوامل اجتماعی و فرهنگی		
گویه	امتیاز	وزن
قوم‌گرایی یا ملی‌گرایی افراطی	27	0.519230769
جریان یک‌سویه تبادل فرهنگی	25	0.480769231
عوامل اقتصادی		
گویه	امتیاز	وزن
فقدان اقتصادهای مکمل	20	0.161290323
عدم وجود توازن در تبادل تجاری	69	0.556451613
فقدان بخش خصوصی کارآمد	35	0.282258065

عوامل نظامی - امنیتی		
گویه	امتیاز	وزن
اتکا بر حضور نظامی صرف ایران در عراق	35	0.564516129
عدم درک مشترک از اولویت تهدیدات	27	0.435483871
عوامل مؤثر بر واگرایی		
شاخص	امتیاز	وزن
سیاسی	378	0.613636364
اجتماعی و فرهنگی	52	0.084415584
اقتصادی	124	0.201298701
نظامی - امنیتی	62	0.100649351

Source: Authors

بر اساس جدول فوق، در حوزه واگرایی، عوامل واگرا سازی سیاسی با ۶۱ درصد تأثیر حداکثری را در واگرایی شیعیان ایران و عراق دارند؛ پس از آن، عوامل اقتصادی با ۲۰ درصد تأثیر در رتبه دوم و عوامل نظامی-امنیتی با ۱۰ و اجتماعی - فرهنگی با ۹ درصد در مرتبه‌های بعدی هستند. نمودار ۴ این اثرگذاری را به تصویر کشیده است:

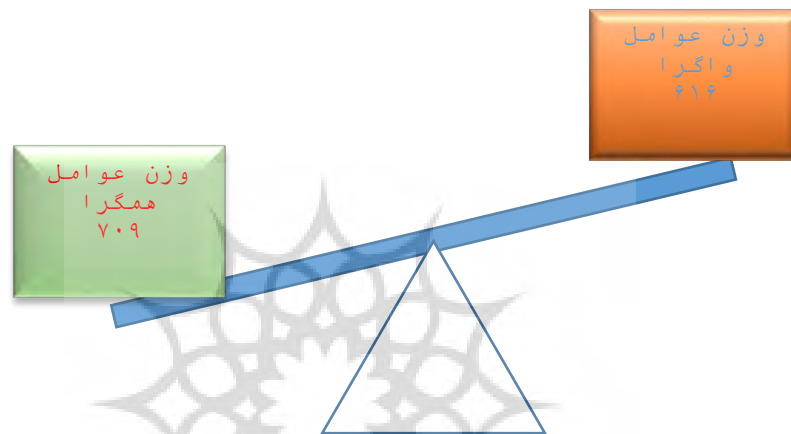
نمودار شماره ۵: عوامل مؤثر بر واگرایی شیعیان ایران و شیعیان عراق



Source: Authors

۵. تحلیل و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه، نظرات خبرگان در شرایط کنونی (مهر ۱۴۰۱ شمسی) عوامل همگرا چهارگانه در مناسبات شیعیان ایران و عراق با ۷۰۹ امتیاز، از میزان اثرگذاری بیشتری در مقایسه با عوامل واگرا ساز برخوردار هستند که تنها ۶۱۶ امتیاز را کسب کرده‌اند.



از طرفی مجموع عوامل همگرا سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کنار عوامل و شاخصه‌های اقتصادی و نظامی-امنیتی وزن بیشتری را نسبت به عوامل واگرا ساز کسب کردند. اگرچه وزن عوامل واگرا نیز قوی بوده و فاصله چندانی با وزن عوامل همگرا نداشتند. معنی ضمنی این است که ظرفیت‌های همگرایی و واگرایی در مناسبات شیعیان ایران و شیعیان عراق قوی بوده و به هر میزان ایران به‌عنوان کشور شیعه از ظرفیت‌های همگرایی غافل باشد این سرمایه‌گذاری رقابتی خارجی بر عوامل واگرا ساز بیشتر خواهد شد و این فرضیه تأیید می‌شود که تأثیر بازیگران خارجی در هرگونه مناسبات ایرانی-عراقی، تأثیری معنادار است که می‌تواند چشم‌اندازی منفی از همگرایی را به همراه داشته باشد.

همچنین یافته‌های نشان داد که عوامل سیاسی در هر دودسته تأثیر بیشتری نسبت به دیگر عوامل در مناسبات شیعیان ایران و عراق دارد. معنی این موضوع آن است که علی‌رغم اهمیت مناسبات غیررسمی، اما همچنان سطوح رسمی و بازیگری دولت‌ها اثرگذاری معناداری را شکل دادن به

مناسبات غیررسمی دارد. دولت‌ها یا کشورها، گرداننده عرصه سیاسی بوده و از ابزار سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، تنظیم مناسبات، جریان‌سازی فرهنگی و ابزارهای کنترلی برخوردار هستند. شیعیان ایران و شیعیان عراق علی‌رغم وجود مناسبات و شاخص‌های متعدد، برای گسترش مناسبات نیازمند اقدامات کنترلی دولتی هستند. در سمت ایران، شیعیان موفق به نظام‌سازی شده و اکثریت مطلق را در اختیار دارند اما در سمت عراق، شیعیان تنها بخشی از جامعه متکثر سیاسی-اجتماعی این کشور هستند. این موضوع بدین معنی است که شیعیان ایران با برخورداری از موقعیت دولت در داخل، باید پیشران گسترش مناسبات در سطوح غیررسمی با شیعیان عراق باشند. زیرا در عراق شیعیان یکدست نبوده و نظام فدرال و سهمیه‌ای حاکم بر نظام سیاسی این کشور، اثرگذاری خود را بر اشکال مختلف خواهد داشت.

لازم به ذکر است که امروزه جریان شیعه یا بیت شیعی در عراق، جریان یکدستی نبوده و اختلافاتی وجود دارد. جریان‌های جدید شیعی برای کسب قدرت و یافتن امکان رقابت با دیگر جریان‌های قدیمی‌تر ناچار از ارائه الگوی بدیل و یافتن حامی خارجی غیر از ج.ا.ایران هستند. این امر موجب شده تا بر اقلیت‌های حاشیه جامعه عراق یا حتی افراد و قبایل مطرود بعثی نیز متمرکز شوند. این امر، موجب می‌شود به جریان‌هایی قدرت را در عراق به دست بگیرند که کمترین تعلق خاطر به ج.ا.ایران و شیعیان ایران ندارند. مضاف بر این به دلیل فاصله گرفتن از ایران مورد تمرکز قدرت-های رقیب ج.ا.ایران نیز قرار بگیرند. همین بازیگران خارجی به تدریج این جریان‌ها را علیه ایران به خدمت خواهد گرفت. شیعیان ایران و عراق با محوریت فرهنگ مشترک، منافع اقتصادی و مقابله با تهدیدات مشترک، زمینه‌هایی برای همگرایی دارند اما معادلات داخلی دو کشور و تأثیر بازیگران خارجی به‌عنوان عامل واگرا ساز، چشم‌انداز احتمالی تقویت روابط دوجانبه تهران - بغداد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شیعیان ایران و عراق ظرفیت‌ها و امکاناتی برای همکاری و گسترش مناسبات دارند.

امروزه بازیگران خارجی بی‌شماری، منافع مستقیم در تقویت جریان مخالف ایران در عراق دارند. این امر، زمانی اهمیت می‌باید که در نظر بگیریم جریان‌های سیاسی عراق در آینده نه‌چندان دور، عرصه را به احزاب و گروه‌هایی واگذار خواهند کرد که با تهران فاصله دارند.

۶. قدردانی:

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه تربیت مدرس در راستای انجام این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

کتابنامه

1. Ofogh, H., (2010). Geography of Iraqi Shiism. *Zamaneh*, 95: 50. [In Persian]
2. Ahmadi, S.A., (2018). Conceptual Explanation of Shiite Geopolitics (A New Definition). *Geopolitics Quarterly*, 14(49), 58-81. [In Persian]
3. Al-Qassab, A.W., (2011). *Iranian influence in Iraq: dimensions, challenges, and repercussions on the Arab neighborhood*. Arab Center for Research and Policy Studies, Doha Institute. [In Arabic]
4. Barzegar, K., (2007). *Iran's Foreign Policy in New Iraq*. Tehran: Strategic Research Center Publications. [In Persian]
5. Drysdale, A., & Blake, G.H., (1995). *Political geography of the Middle East and North Africa. Translated by Dorreh Mir Haidar*. Fourth edition, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
6. Eyvasi, M.R., (2009). Political Challenges of the Islamic World and the Future of Iran. *Bi-Quarterly Political Knowledge*, 4(2), 157-185. doi: 10.30497/pk.2009.34 [In Persian]
7. Ezzati, E., (2005). *An analysis of the geopolitics of Iran and Iraq*. second edition, Tehran: Press and Publications of the Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
8. Ghorbani, A., & Sediq Mohammadi, M., (2007). *Iran-Iraq Economic Relations: Prospects and Opportunities*. Tehran: Tadbir Eghtesad Research Institute. [In Persian]
9. Hafez Nia, M.R., (2016). *Principles and concepts of geopolitics*. Iran, Mashhad: Papli Publications. [In Persian]

10. Hosseini Moghadam, M., & sani ejlal, M., (2012). Integration of Islamic World and future of Islamic Civilization. *Political studies of Islamic world*, 1(3), 1-19. doi: 10.30479/psiw.2012.205 [In Persian]
11. Izadi, H., & Dabiri, A.A., (2012). *Assessment of geopolitical opportunities and challenges of Shia communities in the Islamic world with an emphasis on Iran*. Shia Geopolitical Conference. Tehran. Tarbiat Modares University. [In Persian]
12. Maghsoodi, M., (2004). *The role of ethnic groups in shaping the Iraqi political system with an emphasis on the role of the Kurds*. Tehran: Office of Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
13. Nader, A., (2015). *The Role Played by Iran in Iraq*. Rand Corporation. [In Arabic]
14. Ramezani, R., & Mehrabi, A., (2010). Caspian Sea geopolitics and the divergence of coastal countries. *Central Asia and Caucasus Studies*, 72, 19-5 [In Persian]
15. Sadighi, S.S., Maraby, M., & Eksa, N., (2017). Islamic Republic of Iran and Iraq: The Landskape of Strategic Alliance. *International Relations Researches*, 6(22), 129-162. [In Persian]
16. Shamali, H.A., (1996). *Introductory Shia Studies*. Tehran, El-Hadi Publishing. [In Persian]
17. Toal, Francois (2000). *Geopolitics of Shia*, translated by Alireza Qasim Agha, Publications: Andishe sazan Noor Studies Institute. [In Persian]
18. Wainscott, N., (2019). *Engaging Iraqi Religious Leaders in the Peace and Reconciliation Process During the Post-ISIS Phase*. United States Institute of Peace. [In Arabic]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی